

تیترهای امروز

سایه سنگین انتقام مقاومت، صهیونیست‌ها را در وضعیت انتظار و وحشت نگه داشته است

دارند دیوانه می‌شوند

■ بر اثر حمله سایبری گسترده، شمار زیادی از پروازها در سرزمین‌های اشغالی لغو شد



تروور شهید «اسماعیل هنیه» با شلیک ترور و راهکارهای فشار مضاعف بر آن را بررسی کرد

سپاه؛ قطعاً می‌زنیم

«وطن امروز» وضعیت اقتصادی رژیم صهیونیستی و راهکارهای فشار مضاعف بر آن را بررسی کرد

پاشنه آشیل صهیونیست‌ها

بررسی «وطن امروز» درباره سیاست‌های ضدتورمی سال‌های اخیر

ترمز تورم کشیده شد

صفحه ۳

نگاه

پاسخ انقلاب اسلامی به رژیم صهیونیستی چگونه است؟

عقل انقلابی با ذهن تراژیک؟

جعفر علیان‌نژاد: آنچه این روزها بیش از هر چیز اهمیت داشته و می‌تواند پیرامون آن به میزان کفایت تولید پیغام و محتوا صورت بگیرد، فهم منطق پاسخ انقلاب اسلامی به اقدام متجاوزانه‌ای است که رژیم جنایتکار صهیونیستی با ترور شهید هنیه آن هم در خاک جمهوری اسلامی ایران، مرتکب شد.

اصلی‌ترین نکته درباره این موضوع آن است که منطق پاسخ ایران برگرفته از عقلانیت انقلاب اسلامی بوده و خارج و بیرون از دستگاه محاسباتی غرب قرار دارد. بنابراین آنچه در وهله اول اهمیت دارد، فهم چنین تفاوتی است. فهم این تفاوت، پیش‌نیاز درک ما از واقعیت‌های برآمده از این عملیات خواهد بود.

مسئله آن است که میزان اثر این پاسخ را نمی‌توان با متر و معیارهای موجود سنجید. تفاوت بین نگاه است؛ سنجهای که عقل انقلابی در اختیار ما قرار داده و سنجهای که ذهن تراژیک غربی پیش روی ما می‌گذارد. تفاوت است میان پاسخی که در مدار عقل انقلابی داده می‌شود و ترازنی که ذهن تراژیک غربی مدعی برقراری آن است. نزاع بین نظمی است که عقل انقلابی خواهان تثبیت آن است و نظمی که ذهن تراژیک خواهان تداوم آن است.

اگر مبتنی بر بصیرت‌های تاریخ اساطیر یونان، «آشوب» را زمینه‌پیدایش نظم غربی بدانیم و دولت را جایگزین قهرمانان اساطیری بدانیم که بر آشوب‌های تاریخ یونان باستان فائق می‌آمدند، یکی از دغدغه‌های بنیادین حکومت‌های غربی، خطر بی‌نظمی و هرج و مرج بوده است. انسان بر همین مبنا نظم و آشوب را در هم آمیخته فرض کرده‌اند و ذهن تصمیم‌گیرشان را عادت به تراژیک‌اندیشی داده‌اند؛ این فرض که هیچ نظمی پایدار نیست، چون درآمیخته با آشوب است و چه بسا هر آن دچار وضعیت «کی‌آس» (بحران و آشوب) شوند. این هراس تاریخی، اساساً نظم و نهاد دولت غربی را در تقابل با عدم قطعیت‌ها، غافلگیر می‌کند، بحران‌ها و آشوب‌ها، سامان داده است.

«ابرت کاپلان» در این باره نوشته است: «دپ شاه سوفوکول تعلیم می‌دهد که هیچ انسانی را نمی‌توان سعادتمند دانست تا زمانی که بمیرد، زیرا هیچ چیز قطعی نیست بنابراین هیچ چیز را نمی‌توان بدیدی انگاشت. فاجعه می‌تواند هر لحظه به موفق‌ترین و قدرتمندترین فرد ضربه بزند و جذاب‌ترین و ممتازترین زندگی‌ها را خاکستر کند.»

ادامه در صفحه ۶

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ یافته‌های مراکز معتبر افکار سنجی درباره وضعیت سرمایه اجتماعی ایرانیان برای پاسخ نظامی تهران به رژیم صهیونیستی چه می‌گوید؟

خونخواهی ملی

پس از ترور شهید اسماعیل هنیه جامعه در وضعیت آمادگی و مطالبه پاسخ اقتدار آفرین قرار دارد



عکس Gettyimages

■ **بهبود بُد سیاسی «امید به آینده»**
بعد سیاسی امید به «آینده» شامل شاخص‌های امیدوارترین «قدرت و اقتدار کشور»، «فوذ سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی»، «همگرایی بین مسؤولان» و «توجه به مطالبات مردم» است. پیمایش‌های ملی نشان می‌دهد وضعیت امید سیاسی در اواخر سال ۱۴۰۱ تحت تأثیر اغتشاشات که منجر به بروز ناامنی در کشور شده بود در وضعیت گرایش به «سستنا نامیدی» قرار داشته است. سنجش دو گویه «قدرت و اقتدار کشور» و «فوذ سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای» در اردیبهشت ۱۴۰۲ نشان می‌دهد ارتقای این ۲ سنج به اندازه‌گیری میزان کلی «بُعد سیاسی امید به آینده» موثر واقع شده و آن را از وضعیت گرایش به «سستنا نامیدی» به سمت وضعیت گرایش به «سستنا امیدواری» سوق داده است. در این تغییر، غالب گویه‌های مورد سنجش تا حدود کمی بهبود داشته‌اند اما گویه «امیدواری به قدرت دفاعی و اقتدار کشور در آینده» با ۸ درصد ارتقا به ۷۶ درصد رسیده؛ یعنی ۷۶ درصد مردم به قدرت و اقتدار کشور امیدوارند. این گویه قبلاً در رقم موافقت ۶۸ درصدی قرار داشته و این

افزایش به این معناست که مجموعه اتفاقاتی در یک سال گذشته باعث رشد ارزیابی مردم از اقتدار کشور و امید به افزایش آن در آینده شده است که بدون شک حمله ۲۶ فروردین نقشی کلیدی در این ارزیابی دارد. همچنین گویه ارزیابی امیدوارانه از «فوذ سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی» که در وضعیت ۵۶ درصد قرار داشته است هم‌اکنون به ۶۸ درصد نزدیک شده که در علت‌یابی آن باید باز هم به موفقیت‌های میدانی جبهه مقاومت و اقتدار دفاعی کشور، همچنین عقلانیت نظام سیاسی در مدیریت تحولات منطقه اشاره کرد.

■ **ارتقای «احساس امنیت ملی»**
از مهم‌ترین گویه‌هایی که در اندازه‌گیری شاخص احساس امنیت ملی به کار می‌رود میزان احساس امنیت از «احتمال درگیری و حمله نظامی به کشور» و «احتمال بروز شورش و تجزیه کشور» است. در حالی که بر اساس سلبقه ذهنی اغتشاشات ۱۴۰۱ و ضریب رسانه‌ای جریان مورد حمایت دشمن، مردم در برابر عدم حمله نظامی به کشور ۶۲ درصد و در مقابل عدم درگیری و تجزیه ایران ۶۹ درصد اطمینان خاطر داشتند، عقلایت در پیش گرفته‌شده در



یادداشت روز

درباره بیوند سیاسی ایران با مقاومت

چرا خونخواهی یک امر ملی است؟

| حمید ملک‌زاده* |

سال‌های زیادی است که ایده دولت از همه تحلیل‌های سیاسی ما، چه اهل آکادمی سیاست باشیم چه از سیاسی‌نویسان غیردانشگاهی، رخت بر بسته است. تاجایی که می‌توانیم بگوییم در طول این سال‌ها به‌رغم متون زیادی که به صورت‌های مختلف درباره سیاست تولید کرده‌ایم، هنوز چیزی زیادی درباره سیاست نگفته‌ایم؛ یا اصلاً چیزی می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد. شاید مهم‌ترین آنها را باید در اشتباهی مفهومی که ضمن برگرداندن متون کنونی سیاسی به آن دست زدیم جست‌وجو کنیم؛ اشتباهی که به سردرگمی ما در میانه ۲ مفهوم دولت (State) و حکومت (Government) منتهی شده است. تحت تأثیر این سردرگمی هر بار به جای اینکه درباره دولت، در معنای خاص کلمه صحبت کنیم، از مردم، رژیم، نظام و اصطلاحات جزئی‌تری مانند این استفاده کردیم و کلمه دولت را به جای حکومت مورد استفاده قرار دادیم. اصرار اعضای آکادمی سیاست در ایران به استفاده از این مفاهیم از ریختافتاده به این سرگردانی بیش از گذشته دامن زده است. برای اینکه مخاطرات ناشی از این سردرگمی مفهومی برای ما معلوم شود تنها به مسائل ناشی از جابه‌جا شدن مفهوم نظام با ایده دولت اشاره می‌کنم. درست از وقتی نظام را به جای دولت به کار بردیم، نظام به چیزی بیرون از مردم تبدیل شد. این اشتباه مفهومی پیوندهای بنیادینی را که زندگی مشترک سیاسی ما را تشکیل می‌دادند به جایی بیرون از مناسبات هر روزه ما منتقل کرد. انگار می‌شود سرنوشت ما، به عنوان مردم را از «نظام» جدا کرد و حیات سیاسی در بیرون از مناسبات اصلی تشکیل‌دهنده آن را تصور کرد. مسائل ناشی از این اشتباه مفهومی بستر مناسبی برای ایجاد دشمنی را در اختیار دشمنان جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت قرار می‌داد. وقتی «نظام» در سطح شناختی به چیزی بیرون از مردم تبدیل شده باشد، می‌توان «نظام» را تهدید کرد؛ می‌شود «نظام» را تحریم کرد و به «نظام» حمله نظامی کرد و به برخی از شهروندان ایرانی این ایده را فروخت که همه اینها برای آزادی آنها و تضمین زندگی بهتر برای ایشان انجام می‌شود.

این همان خط تبلیغی‌ای است که سازمان مجاهدین خلق پیش‌تر وقتی برای تضعیف نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران همه توان خود را در اختیار دولت صدام قرار داده بود از آن استفاده می‌کرد. در این یادداشت تلاش می‌کنم روایتی سیاسی درباره مسائل مربوط به ترور شهید اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در تهران را فراهم کنم. همچنین سعی می‌کنم نتایج منطقی این روایت سیاسی در زمینه خونخواهی ایران را به طور مختصر مورد ارزیابی قرار دهم.

■ ترور شخص ثالث در محدوده سرزمینی ایران به‌عنوان چالش شخصیت حقوقی دولت

تا امروز درباره ترور رئیس دفتر سیاسی حماس و همراهش در تهران تحلیل‌های زیادی ارائه شده است. با این وجود تقریباً هیچ‌کدام از این تحلیل‌ها به معنایی که اقدام بزدلانه رژیم صهیونیستی در این قفره از جنبه سیاسی دارد نپرداخته‌اند. تا جایی که به دولت‌ها مربوط می‌شود، اقدام رژیم صهیونیستی در این مورد به معنای این عملیات است. این مساله را باید در سایه این واقعیت فهمید که همه افراد مقیم در یک کشور، چه شخصیت‌های سیاسی باشند چه شخصیت‌های حقیقی معمول ذیل قوانین دولت میزبان از مصونیت‌ها، حقوق و امنیت ناشی از استقرار دولت میزبان برخوردار هستند. هر بار یک طرف خارجی، بدون آن یا اطلاع دولت میزبان علیه این افراد به اقدام اقدامی سیاسی، حقوقی یا امنیتی علیه تمامیت وجودی آنها دست بزند، در حقیقت و به طور عملی اصل استقرار دولت میزبان را به چالش کشیده و آن را نادیده گرفته است. از این جهت اقدام طرف ثالث در این زمینه اقدامی علیه تمامیت وجودشناختی دولت میزبان است، چرا که با این اقدام طوری عمل کرده است که انگار دولت میزبان اصلاً وجود ندارد. به طور کلی اقدام باند تبهکار صهیونیستی علیه شهید اسماعیل هنیه در تهران، صرفاً اقدامی علیه یک شهروند خارجی و یکی از رهبران مقاومت فلسطین نیست، بلکه بیش و پیش از هر چیز اقدامی علیه امنیت و تمامیت دولت جمهوری گرفته است. از این جهت علیه هویت سیاسی همه ایرانیان است. از این قرار موضوع این اقدام صرفاً به حقوق بین‌الملل مربوط نمی‌شود. از آنجا که موضوعی مربوط به امنیت ملی ایران است، می‌شود آن را به عنوان اسمالای داخلی در نظر گرفت؛ همین‌طور باید آن را در مقام موضوعی ملی که به هویت سیاسی همه ایرانیان مربوط می‌شود صورت‌بندی کرد.

ادامه در صفحه ۶